

عوامل بنیادین مؤثر در موفقیت جعفر بن ابی طالب علیه السلام در عرصه تکامل معنوی

سید حسین شفیعی دارابی^۱

نسرین انصاریان^۲

چکیده

با تأمل در مفاد پاره‌ای از آیات و روایات ناظر به شخصیت والای جعفر بن ابی طالب علیه السلام، به وضوح می‌یابیم که وی از معدود صحابه نبوی موفق در عرصه «قوس صعودی» (تقرب به پروردگار کریم) بوده است. همین حیثیت معنوی او موجب گردیده است تا دانشوران مسلمان، در قالب نگاشته‌هایی مستقل و غیرمستقل، به شناسایی و تبیین کارکردهای نیک ایشان در این راستا بپردازند؛ اما در هیچ‌یک از آنها شناسایی و بررسی تحلیلی عوامل مؤثر در دستیابی او به چنین موفقیت ارجمند، مورد توجه قرار نگرفته است. بدین جهت این مقاله، به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، پاسخ‌گوی این پرسش است که: «عوامل بنیادین مؤثر در دستیابی جعفر بن ابی طالب علیه السلام به تکامل معنوی چیست؟». بر اساس یافته‌های پژوهش، این موارد در دو دسته معرفتی-شناختی، و رفتاری-عملی جای می‌گیرند. اموری همچون: معرفت به خداوند و ایمان راستین به او، معرفت و باور درست به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رهروی کامل از آن بزرگوار، معرفت به قیامت و ایمان واقعی به آن و عبودیت خالصانه، از موارد معرفتی-شناختی است و اموری مانند بخشش در راه خدا، صبر همه‌جانبه در طریق بندگی خدا، مهاجرت برای حفظ دین، شهادت در جهت حفظ دین و بقای آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام و... از موارد رفتاری-عملی است. **واژگان کلیدی:** واکاوی، عوامل بنیادین، تکامل معنوی، تقرب به خداوند، جعفر بن ابی طالب علیه السلام.

۱. دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و استادیار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و مدیر گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه

الزهراء علیها السلام، قم، ایران؛ syedhosein-shafieidarabi@miu.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته سطح چهار گرایش تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

nasrinansarian959@gmail.com.

مقدمه

بر اساس آیات قرآن (انشقاق: ۶)، سلوک الی الله برای همه انسان‌ها میسر است تا در جهت قوس صعودی حرکت کنند و سرانجام به قرب پروردگار دست یابند. اما برخی آیات (قمر: ۵۵-۵۶ و اعراف: ۱۷۵) بر این نکته تصریح دارند که تنها برخی از انسان‌ها به مراتبی از لقاء الهی و سیر الی الله دست می‌یابند و دسته‌ای دیگر با سوءاستفاده از قدرت اختیار خویش، در جهت خلاف این فراخوان سفیران الهی حرکت می‌کنند و مسیر ضلالت، سقوط و طریق منتهی به «قوس نزولی» را برمی‌گزینند و انتخاب می‌نمایند.

جناب جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)، بیست سال قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبیله قریش و از طایفه «بنی هاشم» به دنیا آمد، او سومین فرزند «ابوطالب» و «فاطمه بنت اسد» بود که پس از طالب و عقیل و قبل از امام علی (علیه السلام) متولد شد. آموزه‌های دینی، شاهی بر این مدعاست که این یار بزرگ نبوی و این شهید والامقام، در دستیابی به تقرّب معنوی، موفق بوده است و در طول عمر با عزتش توانست طریق سخت «قوس صعودی» را به درستی طی کند. بدین جهت، این پژوهش به دنبال واکاوی، کشف و تفسیر نمونه‌هایی از عوامل بنیادین مؤثر در دستیابی جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) به مراتب شایسته‌ای از «قوس صعودی» است.

پژوهشگران در این زمینه به تحقیق درباره شخصیت والای این صحابی برجسته پرداخته و آثار متنوعی را در راستای تشریح ویژگی‌های وی تألیف کرده‌اند. در این میان، کتاب‌های نگاهی به زندگانی حضرت جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) (پرنده بهشتی)، نوشته هادی آصفی و عباس تفکری آرای؛ تحقیقی جامع پیرامون شخصیت و نماز جعفر طیار، به قلم علی محمد بروجرودی و مقاله‌های «واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب (علیه السلام) و جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) در کلام اهل بیت (علیهم السلام)»، نگاشته هادی یعقوب‌زاده و نعمت‌الله صفری فروشانی و «بررسی فضائل جناب جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)»، نوشته روح‌الله سلطانی، نمونه‌هایی از این آثارند. باین حال هیچ‌کدام از این نگاشته‌ها، در ارتباط با موضوع مقاله فراروی، به تبیین عوامل موفقیت معنوی جعفر نپرداخته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

نظر به اهمیت روشن بودن مفهوم واژگان کلیدی در ثمردهی یک پروژه تحقیقاتی، قبل از پرداختن به مباحث اصلی، به تبیین چستی این تعابیر پرداخته می‌شود:

۱-۱. عوامل

دانشوران لغوی فارسی‌نگار، اغلب از واژه «عوامل» مأخوذ از ریشه «ع-م-ل» به عنوان جمع دو لفظ «عامل» و «عامله» یاد می‌کنند و از تعابیری همچون: دست‌اندرکاران، کارکنان، کارگران، کارداران و ... به عنوان معنی آن نام می‌برند (دهخدا، ۱۳۱۰، ذیل واژه عامل). نکته شایان توجه اینکه غالباً در گفتمان‌ها و کاربردهای فارسی‌زبانان، کلمه عوامل، مترادف با واژه اسباب تلقی می‌شود که در این صورت، «عوامل» تنها به چیزهایی گفته نمی‌شود که «فعل» و «اثر» به آنها نسبت داده می‌شود؛ بلکه به چیزهایی اطلاق می‌گردد که عدم آنها موجب عدم «فعل» و «اثر» نیز خواهد شد (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، بی‌تا، ذیل واژه سبب).

۲-۱. بنیاد

واژه «بنیاد» به معنای پایه و اساس، و مراد از «بنیادین» نیز اساسی، اصلی و ریشه‌ای است که متضاد آن، سطحی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۱۰، ذیل واژه بنیاد). مراد از عبارت ترکیبی «عوامل بنیادین»، «سبب‌های اساسی و تأثیرگذار» می‌باشد.

۲. عوامل مؤثر در تکامل معنوی جعفرین ابی طالب (علیه السلام)

از تتبع در تاریخ زندگی حضرت جعفرین ابی طالب (علیه السلام) به وضوح می‌یابیم که در دستیابی این شخصیت والای معنوی به مراتبی از «قوس صعودی» و مدارجی از «تقرب به پروردگار کریم»، عوامل بسیاری تأثیرگذار بوده‌اند که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آنها را به عوامل «معرفتی - شناختی» و عوامل «عملی - رفتاری» تقسیم نمود.

۱-۲. عوامل معرفتی - شناختی

از مفاد بعضی از آیات و روایات چنین برمی‌آید که امور معرفتی - شناختی متعددی در

دستیابی افراد به قوس صعودی و تقرب معنوی مؤثرند. در این نوشتار، به واکاوی سه مصداق پیش رو بسنده می‌شود:

۱-۱-۲. معرفت به خداوند و ایمان راستین به او

برخی از آیات و روایات بر این نکته تصریح دارند که اگر بخواهیم به درجات عالی «تقرب الی الله» دست یابیم، باید بالاترین مراتب ایمان را درک نماییم. امام علی (ع) می‌فرماید: «نزدیک‌ترین مردم به خدای سبحان، نیک‌ایمان‌ترین آنهاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۰). برای رسیدن به مراتب بالای ایمان باید خداوند را همیشه همراه و ناظر اعمالمان ببینیم. پیامبر (ص) در این باره فرمود: «برترین [مرتبه] ایمان آن است که بدانی هر کجا باشی خدا با توست» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹). این ایمان، همواره انسان را متوجه خدا می‌کند و مسیر تقرب را به او گوشزد می‌نماید.

جعفر بن ابی طالب (ع) از مؤمنان راستین به پروردگار کریم بوده است و شاهد بر درستی مدعا اینکه:

الف) در شأن نزول آیه «کسانی که بدون حق از خانه‌هایشان اخراج شده‌اند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست» (حج: ۴۰) آمده است: آیه در مورد پیامبر (ص)، علی، حمزه و جعفر نازل شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۰۱ و مجلسی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۸۲). براین اساس، جعفر از جمله کسانی بود که به درستی به ربوبیت خداوند اعتراف کرده و می‌گفت «رَبُّنَا اللَّهُ» و این اعتراف، از عوامل مؤثر در قوس صعودی وی بوده است.

ب) در شأن نزول آیه «و چون به آنان گفته شود: همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید...» (بقره: ۱۳)، به نقل از ابن عباس آمده است: مراد از «کَمَا آمَنَ النَّاسُ»، علی بن ابی طالب، جعفر طیار، حمزه، سلمان، ابوذر، عمار، مقداد، حذیفه و... است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۳). پس جعفر بن ابی طالب (ع) از جمله کسانی بود که خداوند از مؤمنان می‌خواهد ایمانی همانند او داشته باشند. این امر حاکی از خشنودی الهی از ایمان جعفر است.

همین ایمان راستین موجب شده است تا وی از مجاهدان الهی و به گفته قرآن، «انصار الله» شمرده شود. همان گونه که «قتاده» در بیان شأن نزول آیه «ای کسانی که ایمان

آورده اید! یاران خدا باشید...» (صف: ۱۴) گفته است: مراد از «أَنْصَارَ اللَّهِ»، «علی (علیه السلام)، حمزه، جعفر بن ابی طالب و عثمان بن مظعون و دیگران هستند» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۶۹).
 بی تردید در مقابل این مجاهدت الهی و «انصار الله» بودن این فرزندگان، «نصرت الهی» نیز نصیبشان خواهد شد. همچنین علی بن ابراهیم قمی در مقام اشاره به شأن نزول آیه «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است؛ چراکه مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست» (حج: ۳۹) آورده است: «این آیه، در حق امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جعفر بن ابی طالب و حمزه (علیه السلام) نازل شده است» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۴ و مجلسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۷۸).

۲-۱-۲. معرفت به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

بی شک معرفت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و باور درست به نبوت آن بزرگوار و پیروی همه جانبه از آموزه های آن حضرت، از جمله عوامل مؤثر در دستیابی افراد (از جمله جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)) به «تکامل و تقرب معنوی» به پروردگار بود؛ زیرا بر اساس آموزه های دینی، شناخت کامل پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و ایمان به نبوت آن بزرگوار، مکمل ایمان به توحید و معرفه الله است. از این رو، در قرآن کریم آمده است:

الف) «هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است» (نساء: ۸۰). بنابراین اطاعت رسول، همسان با اطاعت خدا دانسته شده است.

ب) «...نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد،... آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند» (بقره: ۱۷۷). ثمره این ایمان، قرار گرفتن در زمره صادقین و پرهیزگاران بیان شده است.

طبق شأن نزول برخی از آیات، جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) از جمله صحابه ای بوده است که معرفتی مناسب به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) داشته و از ایمان آورندگان راستین به نبوتش بوده است. از جمله این آیات، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) آیه «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسول ایمان دارند، سپس توبه می کنند...» (حجرات: ۱۵) مؤمنان واقعی را کسانی معرفی می کند که علاوه بر ایمان به خدا،

به رسول وی نیز ایمان داشته باشند. در شأن نزول این آیه آمده: «آیه در مورد علی، جعفر، حمزه و... نازل شده است» (مجلسی، بی تا، ج ۳۸، ص ۲۳۵). براین اساس، وی از جمله مصادیق ایمان آوردندگان راستین به رسول اکرم ﷺ بوده است.

ب) منقول است که آیه «و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، بگو: «درود بر شما...» (انعام: ۵۴) در شأن امام علی علیه السلام، جناب حمزه، جعفر بن ابی طالب علیه السلام و زید نازل شده است (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۴ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۲۴). طبق این خبر، تکریم مذکور شامل ایشان نیز می شود. ج) درجه ایمان جعفر بن ابی طالب علیه السلام به نبوت به حدی بود که پیامبر ﷺ، وی را از خود دانسته است و در حقش فرمود: «مردم از درخت های مختلف آفریده شده اند، اما من و جعفر از یک درخت آفریده شده ایم، یا اینکه فرمود از یک گل آفریده شدیم» (مجلسی، بی تا، ج ۲۱، ص ۶۴). مفاد چندین روایت نیز حاکی از آن است که جعفر بن ابی طالب علیه السلام مشمول خشنودی پیامبر ﷺ بود؛ از جمله:

الف) هنگام بازگشت جعفر بن ابی طالب علیه السلام از حبشه که مصادف با فتح خیبر توسط امام علی علیه السلام بود، پیامبر ﷺ فرمود: «فرحان لا ادري بائهما اسرّ بفتح خیبر ام بقدوم جعفر؟ دو خرمی و شادمانی است که نمی دانم به کدام خرم تر باشم. به فتح خیبر یا به آمدن جعفر؟» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۰۷).

ب) هنگام شهادت جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مویه، پیامبر ﷺ گریست و از وی چنین یاد کرد: «...برادر من، همدم من و راوی من بود» (مجلسی، بی تا، ج ۲۱، ص ۶۴). ج) در روایتی دیگر، پیامبر ﷺ وی را در شمار «خیر الناس» دانسته و فرموده است: «بهترین مردم، حمزه، جعفر و علی علیه السلام هستند» (همان، ص ۶۳).

۲-۱-۳. معرفت به قیامت و ایمان واقعی به آن

یکی دیگر از عوامل معرفتی - شناختی تأثیرگذار در دستیابی سالکان الی الله (از جمله جعفر بن ابی طالب علیه السلام) به «قوس صعودی و تقرب معنوی»، کسب «شناخت واقعی نسبت به قیامت» و ایمان درست به آن است. در بسیاری از آیات، باور به «توحید» و «معاد» در کنار هم، در شمار صفات مؤمنان راستین معرفی شده است (بقره: ۲۸۶؛ آل عمران: ۱۱۴؛ نساء: ۱۷۶؛

مأئده: ۶۹؛ نور: ۲؛ طلاق: ۲ و ...؛ از جمله، آیه «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند... در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است درمی‌آورد، همیشه در آنجا ماندگارند، خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند، اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند» (مجادله: ۲۲). در این آیه، به مؤمنان به خدا و قیامت، وعده تأیید الهی و بهشت برین داده شده است.

تتبع در شأن نزول برخی از آیات، نمایانگر این مطلب است که جناب جعفرین ابی طالب (علیه السلام)، از این عامل بنیادین در عرصه قوس صعودی نیز بی‌بهره نبوده و باور راسخ به معاد، یاریگری در عرصه سلوک الی الله بوده است. به عنوان نمونه:

ذیل آیه «آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده است و در راه خدا جهاد می‌کند؟...» (توبه: ۱۹) آمده: منظور (از ایمان‌آوردگان و جهادگران در راه خدا)، حمزه، امام علی (علیه السلام)، جعفرین ابی طالب (علیه السلام) و عباس است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۳). در آیه مذکور، پس از ذکر ایمان به آخرت، تعبیر «وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» ذکر شده است که طبق روایتی، جعفرین ابی طالب (علیه السلام)، مصداقی از «جهادگران فی سبیل الله» محسوب می‌شود. در خبری آمده است: شخصی در جنگ موته از وی سؤال نمود: «آیا سؤالی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) داری که هرگاه او را ملاقات کردم آن را برای حضرتش بازگو نمایم؟ پاسخ داد: بله، به وی بگو: ای رسول خدا! ما یافتیم آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده بود حق است» (قندیل، بی تا، ص ۱۰۲). سرانجام وی در این جنگ به شهادت رسید.

البته کشته شدن برای مجاهدان فی سبیل الله، عهد آنها با خداوند است؛ همان گونه که آیه زیر به آن اشاره می‌کند: «از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند]» (احزاب: ۲۳). در روایتی آمده است: «مراد از کسانی که به عهدشان وفا کردند آنهایی هستند که اجلشان فرا رسیده و آنها حمزه و جعفرین ابی طالب (علیه السلام) هستند...»

(فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۰ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۹).

ثمره این موفقیت در عرصه قوس صعودی (برآمده از باور قلبی و کاردهای نیک او) سبب شده است تا وی از مقام رفیعی در قیامت برخوردار گردد که بنابر روایات، از دو راه می‌توان به آن پی برد:

راه اول: طبق برخی از روایات، ایشان از جمله مصابیق «رجال اعراف» هستند. «ضَحَّاكْ گوید: از ابن عباس در معنای آیه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ...» (اعراف: ۴۶) سؤال شد. وی در جواب گفت: اعراف، جایگاه بلندی است بر روی صراط که علی بن ابی طالب علیه السلام، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیار و عباس بر آن بلندی قرار دارند. آنان دوستان خود را که دارای چهره‌های نورانی هستند و دشمنان خویش را هم که دارای چهره سیاه و تاریک اند می‌شناسند» (کاشانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۴).

راه دوم: طبق برخی روایات، قاتلان جعفر بن ابی طالب علیه السلام در عذاب جهنم هستند. در روایتی درباره آیه «...مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» (توبه: ۱۰۶) آمده است: «مشرکانی که امثال حمزه و جعفر بن ابی طالب و مانند آنها را کشتند، (در ظاهر) اسلام آورده، وحدانیت خدا را پذیرفته و شرک را رها کردند، در صورتی که هیچ‌گاه ایمان در دل هایشان راه نیافته بود که از مؤمنان واقعی شمرده شوند و بهشت برایشان حتمی گردد...» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۵ و مجلسی، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۱۴).

۲-۲. عوامل رفتاری - عملی

آیه «هرکس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» (فاطر: ۱)، حاکی از این است که: «ایمان» و «رفتار»، رابطه‌ای دوسویه دارند؛ زیرا مقصود از صعود، تقرب به خدا و مقصود از کلم طیب، اعتقادات درستی است که باور به آنها موجب عمل صالح می‌شود. از طرفی رفتار و اخلاق نیکو نیز اعتقاد حقّه را در صعود به سوی خدا یاری می‌کند و آن را بالا می‌برد؛ زیرا هرچه اخلاق و رفتار بر اساس اعتقاد تکرار شود، باور راسخ‌تر و روشن‌تر و تأثیر آن بیشتر می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۱۷).

به لحاظ مصداقی، پیامبر صلی الله علیه و آله که دارای عالی‌ترین مرتبه ایمان بود، با انجام اعمال صالح و نیک خود، موفق گردید تا به بالاترین مرتبه قوس صعودی دست یابد. آن حضرت به جایی

رسید که خداوند در حقش فرمود: «درحالی که در افق اعلا بود. سپس نزدیک رفت و نزدیک تر شد. پس [فاصله اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک تر شد» (نجم: ۹-۷). نکته شایان توجه اینکه آیه «هرکس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود، و کار شایسته به آن رفعت می بخشد» (فاطر: ۱۰) و آیات همخوان با آن به این مطلب اشاره دارند که طی کردن راه تقرب و دستیابی به قوس صعودی در پرتو اعمال صالحه، به روی همگان باز است.

از تتبع در آثار حدیثی و غیر حدیثی نگارش یافته در مورد شخصیت جعفرین ابی طالب (علیه السلام) به وضوح درمی یابیم که زندگی آن بزرگوار، ضمن برخورداری از ایمان به خدای متعال و دیگر مجموعه های باوری، مزین به اعمال و رفتار حسنه نیز بوده است؛ به گونه ای که طبق روایتی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب به آن جناب فرمود: «تو در چهره و اخلاق، شبیه من هستی» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۳۳۶ و مجلسی، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۷۳).

در ادامه این نوشتار، به بازگویی برخی از مصادیق رفتارها و اعمال نیک مؤثر در موفقیت جعفرین ابی طالب (علیه السلام) در عرصه قوس صعودی و سیرالی الله بسنده می شود:

۱-۲-۲. عبودیت خالصانه

آیه شریفه «و درحقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت [فریبگر] پرهیزید...» (نحل: ۳۶) به صراحت اعلام می دارد که فلسفه بعثت انبیاء، گسترش فرهنگ عبودیت در جوامع بشری بوده است. حدیث شریف «بنده ام! مرا اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم...» (حر عاملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۰۹)، گویای این حقیقت است که عبودیت خالصانه و واقعی، نقشی بنیادین در دستیابی به قوس صعودی و رسیدن به مقام تقرب دارد. براین اساس، جعفرین ابی طالب (علیه السلام) در پرتو عبادات خالصانه خود، موفق به درک «قوس صعودی» گردیده است. در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است: «در قیامت، پرچم تهلیل را به دست علی (علیه السلام) ... پرچم تکبیر را به دست حمزه ... و پرچم تسبیح را به دست جعفر می دهم» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۴۸). طبق این روایت، جعفرین ابی طالب (علیه السلام) به دلیل انجام عبادت خالصانه به جایی رسیده است که در قیامت، پرچم تسبیح در دست وی خواهد بود.

۲-۲-۲. بخشش در راه خدا

دومین مصداق از مجموعه مصادیق عوامل رفتاری - عملی مؤثر در سلوک معنوی جعفر بن ابی طالب علیه السلام، بخشش و سخاوت در راه خداست که در روایات، از اخلاق انبیا و ستون ایمان دانسته شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «بخشش، از اخلاق انبیا و ستون ایمان است. مؤمن نیست کسی که بخشنده نباشد و بخشنده نیست مگر اینکه صاحب یقین و همت عالی باشد؛ زیرا بخشش، پرتوی از نور یقین است» (مجلسی، بی‌تا، ج ۶۸، ص ۳۵۵). نقطه مقابل سخاوت، «بخل» است و پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «بخل و ایمان در يك دل جمع نشود» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۶).

جعفر بن ابی طالب علیه السلام در عرصه قوس صعودی، از این صفت حمیده اخلاقی بی‌بهره نبود. منقول است که به وی «ابوالمساکین» می‌گفتند (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۶۳). در این زمینه، نقل شده است که: «... سخاوتمندترین مردم نسبت به فقرا جعفر بن ابی طالب علیه السلام بود. نیازمندی گوید: او وارد خانه‌اش می‌شد و هر چه داشت برای ما می‌آورد...» (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۱).

۲-۲-۳. صبر همه‌جانبه در طریق بندگی خدا

یکی دیگر از مصادیق عوامل رفتاری - عملی مؤثر در دستیابی جعفر به قوس صعودی و تقرب به پروردگار، عمل ارجمند «صبر» است، در روایتی، امام علی علیه السلام ضمن تشویق همگان به صبر، با تمثیلی زیبا، صبر را از نشانه‌های ایمان دانسته و فرموده است: «بر شما باد به صبر؛ زیرا صبر در ایمان، مانند سر در بدن است. همان گونه که سودی در جسد بدون سر نیست، سودی هم در ایمان بدون صبر نیست» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۲).

جعفر بن ابی طالب علیه السلام برای تقرب الی الله و سلوک در قوس صعودی معنوی، خود را به این صفت اخلاقی نیز مزین کرده بود. آیه شریفه «...شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت» (قصص: ۸۰) شاهدی بر درستی این سخن است؛ زیرا هر چند مضمون این آیه عام است و صبر در همه بلاها را شامل می‌شود، اما گفته شده که شأن نزول آن در مورد جعفر بن ابی طالب علیه السلام است که برای حفظ دین خود، بر ترک وطن صبر کرد (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۹۳ و طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۵۶۷).

۴-۲-۲. مهاجرت برای حفظ دین

از جمله مصادیق عوامل رفتاری - عملی مؤثر در دستیابی جعفر بن ابی طالب (ع) به قوس صعودی، عبارت است از: مهاجرت برای حفظ و صیانت از اعتقادات خود. خداوند در قرآن برای سالک الی الله، در صورت بروز شرایط سخت، نسخه کارساز «مهاجرت» را تجویز کرده است. در این راستا، آیه «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من فراخ است. تنها مرا بپرستید» (انعام: ۵۶)، اشاره به گستردگی زمین دارد و بیانگر این نکته است که کسانی که در دیار کفر گرفتار هستند می‌توانند برای حفظ ایمان خود، از وطنشان مهاجرت کنند.

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: «هرکس برای (حفظ) دین خود، از سرزمینی به سرزمین دیگر، ولو به اندازه یک وجب زمین باشد، بگریزد، سزاوار بهشت باشد و همدم ابراهیم و محمد است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۵۳).

جعفر بن ابی طالب (ع) نیز به دلیل مهاجرت در راه خدا، از جمله مشمولان این نعمت بوده است؛ زیرا وی در هر دو هجرت مسلمانان (یکی هجرت به حبشه و دیگری هجرت به مدینه) شرکت داشت. در مهاجرت اول، پیامبر (ص) وی را با جمعی از اصحاب، به حبشه نزد نجاشی (که پادشاه عادل بود) فرستاد و هنگامی که مسلمانان بر نجاشی وارد شدند، نجاشی از آنها پرسید از آیاتی که برای شما نازل شده است چیزی می‌دانید؟ جعفر بن ابی طالب (ع) که زبان حبشی را می‌دانست آیاتی را از سوره مریم تلاوت و ترجمه کرد» (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵۴). برخی در شأن نزول دو آیه زیر، به این هجرت اشاره کرده‌اند:

الف) ذیل آیه «بگو ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند، نیکی خواهد بود، و زمین خدا فراخ است...» (زمر: ۱۰)، در روایتی گفته شده: «این آیه در مورد جعفر بن ابی طالب (ع) و یارانش نازل شده است» (ابن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۶۳۱ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۲۴۰).

ب) ذیل آیه «کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» (نساء: ۹۷) نیز در روایت آمده است: این آیه، به هجرت جعفر بن ابی طالب (ع) و یارانش اشاره دارد (مجلسی، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۲۲).

۲-۵. شهادت در راه دین

مصادق دیگر از مجموعه عوامل رفتاری - عملی که منشأ موفقیت جعفر بن ابی طالب (ع) در سیر الی الله گردید، شهادت در راه خدا بود. در آثار برجای مانده از بزرگان (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۰۵)، یکی از آیاتی که دلالت بر قوس صعودی انسان دارد، این آیه است: «و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خدا گرد آورده خواهید شد» (آل عمران: ۱۵۸) که می‌رساند کسی که در راه دین بمیرد یا کشته شود، مقامش به حدی بالا می‌رود که در جوار الهی محشور می‌شود.

جعفر بن ابی طالب (ع) نیز یکی از شهدای صدر اسلام است. درباره چگونگی شهادت وی آمده است: «در جنگ موته در سال هشتم هجری جنگید تا دو دست او قطع شد، سپس کشته شد. پس پیامبر (ص) فرمود: خداوند به جای این دو دست، دو بال به او عطا کرد که در بهشت هر جایی بخواهد برود. از اینجا بود که به او جعفر ذوالجناحین گفته شد» (مجلسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۷۶). موفقیت جعفر بن ابی طالب (ع) در عرصه والای قوس صعودی را می‌توان از کلام پیامبر (ص) فهمید. آن حضرت در حدیثی طولانی که در آن، صفات یاران خود را بیان می‌کند می‌فرماید: «جَعْفَرُ ذُو الْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ؛ جعفر ذوالجناحین با ملائکه با دو بال هرجا بخواهد پرواز می‌کند» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۹۵). به همین دلیل، وی ملقب به «جعفر طیار» است (مجلسی، بی تا، ج ۸۲، ص ۸۳). امام باقر (ع) می‌فرماید: «جعفر دارای دو بال، دو قبله، دو هجرت، و دو بیعت از شجره مبارکه بود...» (همان، ص ۲۲۳ و ۲۴۶).

نتیجه‌گیری

عوامل تأثیرگذار در دستیابی جعفر بن ابی طالب (ع) به مراتب شایسته‌ای از «قوس صعودی» و «تقرب معنوی» را می‌توان در دو دسته نظاره‌گر بود. نخست، عوامل معرفتی - شناختی هستند. معرفت به مبدأ الهی و ایمان راستین به خدای متعال، شناخت شخصیت و منزلت والای رسول اکرم (ص) و ایمان به آن بزرگوار و معرفت به قیامت، از این دسته به شمار می‌آیند. دوم، عوامل رفتاری - عملی هستند. بندگی خالصانه، بخشش در راه خدا (مشهور شدنش به ابوالمساکین)، صبر در راه خدا، هجرت در راه اسلام و شهادت، از جمله امور دسته دوم هستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۳۹۸ ش، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: پیام عدالت.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، الخصال، قم: بی نا.
 ۲. ابن حموش، مکی، ۱۴۲۹ ق، الهدایة إلى بلوغ النهاية، شارجه: جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمی.
 ۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
 ۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
 ۶. بنیاد دایرة المعارف اسلامی، بی تا، پایگاه دانشنامه اسلامی، اصفهان: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).^۱
 ۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، نهج الفصاحة؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
 ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی.
 ۹. حُرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۰ ش، کلیات حدیث قدسی، ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران: دهقان.
 ۱۰. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسه الطبع و النشر.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۱۰ ش، فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات امیر کبیر.
 ۱۲. شریف الرضی، سید محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم: بی نا.
 ۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد: دار الکتب الثقافی.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
 ۱۶. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۶۹ ش، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
 ۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
 ۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
 ۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
 ۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ ش، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
 ۲۱. قندیل، محمد ابن حسن، بی تا، اعجاز القرآن العلمی و البلاغی و الحسائی، اسکندریه: دار ابن خلدون.
 ۲۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، بی تا، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.

۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۵. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۸ق، التفسیر و المفسرون فی ثوبة القشيب، مشهد مقدس: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
۲۶. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ۱۰ جلد، تهران: امیر کبیر.

